توحید اکسیر و کار خانہ انوار شاد در بدن انسان
نیز فیض کی کان



در مطبع محمدی محسنی شعبی حاجی محمد عبد الحسین لطافت

فهرست رساله قیافه و شناخت خطوط دست و پا که از آن شقاوت و سعادت مرد و زن معلوم میشود



۲

بسم الله الرحمن الرحیم

سبحان الله الحکیم الحمید الفعال لما یرید الذی خلق العبید فمنهم شقی
سعید والصلوة والسلام علی افضل الخلق وحسن الخلق محمد المبعوث بالبینات
الفاتح لابواب الخیر والسعادات وعلی آله وعترته الکرام وصحبه هداة الاسلام
بعد ازین مخفی مباد که این رساله ایست در علم قیافه و معرفت خطوط
دست و پا وغیر آن که علامت خیر و شر و سعادت و شقاوت مرد و زن
ازان معلوم شود وآن مشتملست بر دو فصل فصل اول در معرفت قیافه
مردان منشعب بر شعبه شعبه اول در معرفت تشخیص یعنی خصائل سی و دوگانه
و علامات سی و دوگانه که دلالت بر خیر و سعادت کند وآن متنوعست بدو نوع
نوع اول در بیان تشخیص بحسب خصلت و سیرت بدین تفصیل اول

حسن خلق و نیک محضری دوم شرم سوم حلم و بردباری چهارم حسن تعقل و
تفطن و صاحب فطرتی پنجم صلاح و تقوی ششم اصالت و نجابت هفتم
جودت طبع و صفای ذهن هشتم صاحب کمالی و عالی شانی نهم علم و هنر
دهم تواضع و فروتنی یازدهم استقامت مزاج دوازدهم لطف و رحم سیزدهم
تشرع و دینداری چهاردهم لطافت و ظرافت پانزدهم محبت و دلداری
شانزدهم اعتدال مزاج و شهوت هفدهم زنده دلی و سبکروحی هیژدهم یارباشی
و خوش معاشی نوزدهم عصمت و عفت بیستم کم خواری بست و یکم کم خوابی
بست و دوم خدمتگاری مرشد و بزرگان بست و سوم حق گزاری اهل
حقوق بست و چهارم کارهای خیر و ثواب کردن بست و پنجم جود و سخاوت
بست و ششم زهد و ورع بست و هفتم حسنه و نیکی در حق مردم بست و هشتم
سخندانی و شعرفهمی بست و نهم عدالت و نصفت سی ام شجاعت و جوانمردی
سی و یکم حق گزاری و خدمتگاری مخدوم سی و دوم قدردانی خادم
نوع دوم در بیان شش حسن بحسب خلقت اعضا و صورت از آنجمله آنچه
سرخ باید هفت عضو است اول ناخن دوم چشم سوم لب چهارم کام پنجم
زبان ششم کف دست هفتم کف پا و آنچه باریک و تنگ باید پنج است

سی و چهار حسن بحسب خلقت اعضا

اول بندهای اعضا و مفاصل دوم دندان سوم جلد بدن چهارم ناخن پنجم
موی و انچه پر و فربه باید سه است اول پیشانی دوم رخسار سوم سینه و انچه دراز
باید پنج ست اول بینی دوم فاصله هر دو پستان سوم چشم چهارم زنخ پنجم
بازو و انچه کوتاه باید چهار ست اول کف و دوش دوم ذکر سوم ران چهارم
گردن و انچه بلند باید پنج ست اول پیشانی دوم چهره سوم ناخن چهارم سینه پنجم
بینی و انچه عمیق باید سه است اول ناف دوم آواز سوم عقل پس عقل مشترک
باشد میان سیرت صورت و اعضای مذکور که در هر دو نوع ذکر یافت مشترک
باشد میان مرد و زن مگر بعضی چیز که مخصوص مردست مثل شجاعت و درازی
و کوتاهی ذکر و غیر آن شعبهٔ دوم در معرفت علامات خیر و شر و سعادت و
شقاوت و آن متنوع ست بسه نوع نوع اول در معرفت علامات خیر و شر
و سعادت و شقاوت بحسب خلقت اعضا از سر تا پا بدین تفصیل پیشانی بلند علامت
بخت آوری و دولتمندی بود و پیشانی کشاده بحد اعتدال و هموار و خوش اندام
مثل نصف ماه علامت سلطنت و دولت بود و پیشانی پهن و کشاده علامت
علم و دانش بود و پیشانی تنگ و پست علامت کوتاهی عمر و بدبختی باشد
پیشانی ناهموار و پست و بلند علامت رنج و محنت و گذرانیدن عمر به سختی و

شعبهٔ دوم در معرفت علامات خیر و شر و سعادت و شقاوت

نوع اول در معرفت علامات خیر و شر بحسب خلقت اعضا

و دشواری باشد و خال بر پیشانی علامت بخت آوری و سبب خرد در سر
یعنی در منتهای منبت موی سر مقابل ابرو و طرف چپ و راست سر که موی باشد
علامت بختاوری بود ابروی کشیده و خوش خم و دنباله دار علامت دولت
و سلطنت بود و ابروی پیوسته علامت دزدی باشد و ابروی بیمو و کم مو علامت
نکبت و فلاکت بود اگر استخوان میان هر دو ابرو بسیار بلند بر آمده باشد
علامت دولت و سلطنت بود چشم سیاه و سفید که رگهای سرخ در وی
پراگنده باشد علامت شاهد پرستی و نظر بازی و بهره مندی از زنان بود
خصوصا اگر خال سیاه بر سطح بیاض دیده باشد چشمیکه برنگ چشم شیر بود یعنی
اندک میگون زند علامت شجاعت و تهور باشد و چشمیکه مثل چشم گاو و کلان
بود و سفیدهٔ دیده اش بلند بر آمده باشد علامت وقاحت و بی شرمی بود
و چشمیکه مثل چشم گربه ازرق و کبود و سبز رنگ باشد علامت بدخلقی و بیمروتی
بود خصوصا اگر گرد حدقه مثل زنار دارد نه سنگ سلیمانی طوقی دیگر باشد
و مع هذا اگر آن مرد کوسج بود بدتر باشد بینی دراز بلند باندام علامت دولت
و سعادت بود بینی مثل منقار طوطک که اندکی پشته دار و از پیش خمیده
میانه باندام بود آن نیز علامت دولت و سعادت بود و هر بینی که درازی

ابرو

چشم

بینی

کوتاهی و بلندی و پستی و باریکی و فربهی میانه و خوش اندام و خوشنما بود علامت
نیک باشد و بینی بسیار بلند و باریک و پشته دار علامت سبکساری و بینی
پست و پهن علامت شهوت بود و بینی که از میان و از پیش و پس بلند باشد
علامت شرارت و بدذاتی بود و بینی باریک و کج چنانچه سر بینی در پها افتاده
باشد علامت بدخلقی و بدرگی بود و بینی گنده و فربه و فراخ علامت نخوت و غرور
و تکبر بود و هر بینی که در درازی و کوتاهی و باریکی و فربهی و بلندی و پستی از حد
صفت گوش
اعتدال متجاوز بود پسندیده نباشد گوش کلان و پهن علامت عمر دراز
باشد و گوشیکه در درازی و کوتاهی و لاغری و پهناوری بحد اعتدال بود
علامت سعادت و اخلاق پسندیده باشد و موی بر گوش علامت رنج
صفت کام و زبان
و محنت بود کام و زبان سرخ علامت دولت و مال بود و کام و زبان سفید
علامت نکبت و فلاکت باشد و زبان سیاه علامت شقاوت و بدبختی باشد
صفت لب
و زبان فربه و خشک علامت دروغگویی باشد لثه سیاه یعنی گوشت بن دندان
که سیاه باشد علامت دولت و مال بود لبهای سرخ علامت سعادت و
دولت بود و لبهای سیاه علامت نکبت و بیدولتی باشد اگر لب زیرین
صفت دندان
کج یا سطبر باشد علامت رنج و محنت بود و دندانهای خرد و باریک بحد اعتدال

مثل

مثل دندانهای انار علامت دولت و سعادت بود دندانهای براق
و جلادار علامت دولت و مال بود یا علامت فقر و ترک دنیا باشد دندانهای
بی رونق و بی جلا و کم و زیاده و از هم پراگنده و دراز و فاصله دار مثل دندانهای
خرس و خوک این همه علامت رنج و محنت و نکبت و فلاکت بود دندانهای
پیچ پیچ بالای دندان رسته علامت دولت و مال باشد دندانهای ناهموار علامت علم
و هنر بود و سی و دو دندان علامت دولت و عیش و عشرت باشد سی و یک دندان
علامت دولت و سلطنت و سی دندان علامت نیک باشد و بیست و نه دندان
علامت رنج و محنت بود و دندان زیاده از سی و دو و کم از بیست و نه علامت
ظلم و بی رحمی و قساوت قلب بود و زنخ مدور خوش گوشت و در درازی و کوتاهی
و فربهی و باریکی میانه علامت سعادت و دولت بود و خال بر زنخ علامت
زنانگی و زن طبعی بود و باید که مردان بران بوسه زنند رخسارهای
خوش گوشت علامت دولت بود اگر در وقت سخن گفتن و خندیدن در رخسار گو
افتد علامت سعادت و دولت بود و چهره باریک خوش گوشت مایل بدرازی
علامت شرم و حیا بود دهان تنگ مثل غنچه گل علامت سعادت و دولت بود
و دهان مثل موش و اسپ علامت نکبت و فلاکت بود گردن باریک علامت

زنخ

رخسار

چهره

دهن

گردن

زیرکی و دانائی بود و گردن فربه و گنده علامت نکبت و فلاکت بود و گردن
مثل گردن مرغان یعنی دراز و باریک و خمدار و حلقوم از پیش برآمده علامت نکبت
و فلاکت و بزه و گناه باشد گردن کوتاه علامت شیطنت و شرارت بود و گردن
دراز از حد زیاده علامت دزدی باشد و گردنیکه در درازی و کوتاهی و فربهی
و باریکی میانه و بحد اعتدال باشد علامت سعادت و دولت بود و قفا مثل قفای
فیل یعنی اندکی برآمده و پشته دار علامت نکبت و فلاکت است پشت خرد و
میانه علامت سلطنت و دولت بود و پشت دراز متجاوز از حد اعتدال علامت
نکبت و فلاکت باشد بازوهای دراز علامت هوشمندی و دانائی بود و
بازوی خرد علامت بندگی و غلامی بود و بازو در درازی و کوتاهی و فربهی
و باریکی میانه علامت سعادت و دولت بود اگر دست راست از دست چپ
دراز بود علامت شجاعت و تهور باشد و اگر دست چپ از دست راست دراز
بود علامت جبن و بددلی باشد آرنج مثل آرنج شیر یعنی پرگوشت و خوش اندام
علامت دولت بود و آرنج مثل آرنج اسپ یعنی قوی و پرگوشت علامت
شهوت و دولت باشد و آرنج خشک و باریک مثل آرنج بوزینه علامت نکبت
و فلاکت بود اگر بندگاه پنجه دست مثل شیر بود چنانچه ساعد و پنجه دست یکسان

صفت پشت

بازو

دست

آرنج

پنجه دست

نماید

نماید علامت دولت و تهور و شجاعت باشد خال سیاه در کف دست چنانچه
اگر مشت به بندد و در مشت بیاید علامت دولت و مال و نعمت بود چون آن
انگشتان دست را باهم متصل ساخته راست بدارند اگر در پنج انگشتان پائین
هر دو انگشت فاصله نماید و دریچه دراز نماید علامت آنست که آنکس صاحب تصرف
بود و مال پیش او جمع نشود و اگر فاصله نماند و دریچه ننماید علامت آنست که
آنکس ممسک باشد و مال پیش او جمع شود و اگر انگشت خنصر دست راست دراز باشد
چنانکه از بند اول انگشت بنصر بگذرد آنکس در دولت و نعمت از پدر خود
زیاده گردد و هر دو پستان فربه علامت دولت و مال بود اگر پستان چپ
فربه تر از پستان راست باشد او را زن خوب نصیب گردد و پستان لاغر
کم گوشت علامت نکبت و فلاکت بود هشت استخوان در پهلو علامت
سلطنت و پادشاهی بود و نه استخوان در پهلو نیز علامت سلطنت و دولت
بود و ده استخوان در پهلو علامت فقر و درویشی باشد و یازده استخوان در
پهلو علامت کمال زهد و پرهیز بود و دوازده استخوان در پهلو علامت
رنج و محنت و فلاکت بود و سیزده استخوان در پهلو علامت دولت و مال
بود و چهارده استخوان در پهلو علامت بزه و گناه باشد شکم کلان علامت

انگشت

پستان

نعمت و مال بود و شکم پر گوشت خوش اندام نیز علامت نعمت و دولت باشد
و شکم دراز بی گوشت و بگور رفته و با پشت چسپیده علامت نکبت و فلاکت
بود **ناف** عمیق خوش گوشت علامت دولت و مال بود **ذکر** بسیار
دراز علامت نکبت و فلاکت باشد و اگر ذکر از طرف راست بلند تر باشد
زن خوب و نیک بخت نصیب او گردد و اگر از طرف چپ بلند تر باشد او را
فرزندان و اولاد بسیار شود اما از زن خوب بی نصیب باشد و در رنج و
محنت بود و اگر سر ذکر بلند و پشت آن پست تر گردد زن خوب نصیب او
شود و بعیش و عشرت بگذراند و اگر بعکس این بود یعنی پشت ذکر بلند تر باشد
و سر آن پست تر بعکس آن باشد یعنی از لذت جماع محروم گردد و زن
از وی ناخشنود ماند **خال سیاه** بر ذکر علامت عیش و عشرت با زنان
بود و اگر منی کسی بوی بهی داشته باشد علامت کثرت اولاد و فرزندان
و مال و دولت بود و اگر بوی شهد داشته باشد علامت عیش و عشرت
با زنان بود و اگر بوی گست و تلخ داشته باشد طبیعت آن مرد بر فسق و
فجور و زنان راغب و مائل بود و در وقت بول کردن اگر یک فواره از
نانره جهد علامت دولت بود و اگر دو فواره جهد علامت علم و دانش

باشد

باشد و اگر سه فوازه جهد علامت زهد و تقوی و پرهیز بود و اگر چهار فوازه
جهد علامت نکبت و فلاکت باشد ران اگر مثل ران آهو باشد یعنی پرگوشت و
خوش اندام بود علامت دولت و سعادت بود و ران مثل ران اسپ یعنی دراز
و قوی و پرگوشت علامت دهقانی و کشاورزی بود و ران مثل ران شیر
یعنی مختصر و قوی و پرگوشت علامت دولت و مال بود و ران بسیار دراز
کم گوشت و بسیار خرد و فربه بد اندام علامت بزه و گناه باشد موی بسیار
بر ران علامت خواهش و رغبت بر زنان باشد و اگر موی بالکل نباشد
علامت نکبت و فلاکت بود و اگر در هر مسام یک موی رسته باشد علامت
دولت بود و اگر دو موی در یکجا رسته باشد علامت علم و دانش بود
و اگر سه موی در یکجا رسته باشد علامت عبادت و خداپرستی باشد و اگر
چهار در یکجا رسته باشد علامت نکبت و فلاکت بود موهای درشت و
گنده در بدن مثل موی گاو و فیل علامت علم و دانش و شهوت باشد
و موهای نرم و باریک علامت رنج و محنت بود و موهای دراز در
بدن علامت درازی عمر بود و موهای خرد و کوتاه علامت نکبت
و فلاکت باشد ساق پا پرگوشت خوش اندام علامت دولت بود

ران

موی

ساق

وشان پای قوی مثل ساق جاموس علامت آنست که زن خوب نصیب
شود وساق دراز خشک کم گوشت علامت نکبت وفلاکت باشد زانو
کلان خوش گوشت علامت دولت وعیش وعشرت باشد وزانوی کلان
بسیار گوشت علامت نکبت ورنج ومحنت باشد وزانو مثل زانوی شیر ویوز
علامت سلطنت ودولت بود وزانو مثل زانوی آهو وموش وخوک
نیز علامت دولت باشد وزانو مثل زانوی بوزینه وخوک وخرس وشغال
علامت نکبت وفلاکت بود پاشنهٔ پای درازی وکوتاهی وفربهی ولاغری
میانه علامت دولت بود وپاشنه پرگوشت علامت دزدی بود وپاشنه
دراز درنج وفلاح میانه باشد وبسیار خرد علامت نکبت وفلاکت باشد
پشت پا خوش گوشت خوش اندام مثل پشت کشف علامت سعادت
ودولت بود وکف پا کم گوشت که میانه کف پا برزمین نباشد و
کاواک ماند علامت سعادت ودولت بود وکف پا پرگوشت که میانه
کف پا بر زمین رسد وهیچ کاواکی نماند علامت بیدولتی باشد ودر زنان بعکس آن
باشد ناخنهای دراز نصفی سرخ ونصفی سفید وانگشتان هموار وباهم
ملاصق ومجتمع چنانکه قدری فرجه نباشد علامت سعادت ودولت بود

ناخنهای

ناخنهای پا پیچیده و از هم ترکیده و ناهموار و سفید باشد و بیخ پا پهن و انگشتان از
هم جدا علامت بید دلی بود و ناخنهای پا که بسیار سیاه باشد علامت دزدی
و بند و زنجیر و سرگردانی و پریشانی بود و انگشتان پا خرد و کوتاه علامت
بدخوئی بود و بغایت خرد و کوتاه علامت دزدی بود و انگشت ابهام کم
از انگشتان دیگر جدا و بفاصله باشد علامت رنج و محنت و مشقت جنگجوئی
باشد و انگشت میانه پا که از انگشت سبابه درازتر بود علامت آنست که
زن نیک نصیب او شود و اگر انگشت بنصر پای از انگشت میانه و سبابه
درازتر بود علامت آنست که زن خوب و نیک نصیب او شود و علم
دانش آموزد و اگر انگشت خنصر پا درازتر بود علامت آنست که مردم
بر وی طعن زنند و مذمت کنند و اگر انگشت مذکور خردتر بود علامت علم
و دانش باشد استخوانهای دست و پا و غیر ذلک دراز و خوش گوشت
باشد علامت سعادت و دولت و راحت و آسودگی بود و استخوانها
دراز خشک که از بی گوشت علامت نکبت و فلاکت بود و استخوان
خرد و کوتاه بسیار گوشت نیز علامت نکبت و فلاکت باشد خون
بدن که سرخ خوشرنگ باشد علامت دولت بود و اگر مائل بکبودی

وسیاهی بود علامت عیش وعشرت باشد واگر نیم رنگ برنگ گلگون بود علامت
رنج ومحنت وکثرت اولاد دختران باشد آواز مثل آواز بهمن علامت
سعادت ودولت بود ومثل آواز طاوس یعنی بسیار بلند وصاف خوش
نیز علامت دولت بود ومثل آواز قوچ علامت شهوت وسستی بود وآواز
درشت منتشر مثل آواز دهل علامت نکبت بود نوع دوم در بیان معرفت
خطوط دست وپا وغیره یک خط در پیشانی بعرض یعنی از شقیقه تا شقیقه
علامت دولت ومال بود ودو خط علامت سلطنت ودرازی عمر بود
وچهار خط علامت بیدولتی ودرویشی باشد وپنج خط نیز علامت بیدولتی
بود وعدم خط در پیشانی علامت ترک دنیا باشد ونیز گویند پنج خط در پیشانی
علامت صد ساله عمر باشد وچهار خط علامت هشتاد ساله عمر وسه خط علامت
شصت ساله عمر ودو خط علامت چهل ساله عمر ویک خط علامت بیست ساله
عمر وعدم خط علامت کم عمری بود وخط مثلث در پیشانی یا خط راست
قائم مثل حرف الف علامت ریاست ومهتری بود وزنان اولاد دوست
دارند یک خط در گلو علامت حلم ودانش بود ودو خط علامت هنرمندی
باشد وسه خط علامت هوشمندی ودانائی بود ویک خط در بندگاه دست

نزدیک

آواز

نوع دوم در بیان معرفت خطوط دست و پا

کیفیت خطوط پیشانی

خطوط گلو

خطوط بندگاه دست

خطوط کف دست

نزدیک پنجه علامت سعادت و دولت بود و سه خط علامت علم و دانش بود و سه خط علامت کمال زهد و ریاضت بود **در کف دست** خطوط بشکل خندق یا قلعه یا برج علامت تجارت و بازرگانی و مالداری بود و بشکل ماهی علامت دولت و نعمت و فتح الباب باشد و بشکل دیگدان علامت دزدی بود و خطی بشکل هلال یا چنگ فیل علامت دولت و مال و تهور و شجاعت باشد و بشکل مربع در کف دست علامت تهور و شجاعت بود اما آنکس اکثر در بند و زندان باشد و بشکل مثلث در کف دست علامت دولت و مال بود پس اگر خط مذکور از طرف زیر گشاده باشد یعنی خط از آن طرف سراسر رسیده و احاطه تمام نکرده باشد بلکه از میان گسسته بود علامت آنست که مال بفسق و فجور و بزنان فاحشه و قحبه تلف گردد و اگر گشاده باشد علامت آنست که مالش بدزدی رود یا بسوختن و غرق شدن و امثال آن تلف گردد و اگر پشت از طرف بالا گشاده باشد علامت آنست که اصلا مال بدستش نیاید و همیشه بتنگی و فلاکت گذرانند بهر حال درست و سالم بودن خط مذکور از پشت علامت جمع شدن دولت و مال و گشاده و ناقص بودن آن علامت تلف شدن مال و اگر خطی از بن کف دست بالا رود و بانگشت سبابه یا وسطی برسد علامت

دولت و مال بود و اگر آن خط بر خط مثلث گذرد بغایت نیکو باشد و خطیکه
از نزدیک بیخ انگشت خنصر بالا رود پس اگر آن میان سبابه و وسطی منتهی
گردد و از هیچ جا گسسته و منقطع نشده باشد علامت درازی عمر بود و درازی
و کوتاهی عمر را از درازی و کوتاهی این خط معلوم نمایند و بر کنار کف دست
مابین خط مذکور و خنصر هر قدر که خطهای خرد باشد همان قدر دلالت بر زنان
کنند که بنکاح او در آیند اگر یکی باشد یک زن و اگر دو باشد دو زن و زیاده
بر آن و مابین خط مسطور و بند دست بر کنار کف دست هر قدر که خطوط
خرد باشد همان قدر عدد فرزندان دلالت کند دراز بر پسران و
خرد بر دختران و در زیر بیخ انگشت ابهام تا نصف کف دست در عرض
خطوط خرد بر اولاد و فرزندان دلالت کند و خط بندهای انگشتان که بشکل جو بود
و گشاده و فراخ علامت فراخ دستی و همت و خرج بسیار بود و خطیکه بشکل
بجنگ فیل در کف باشد علامت سلطنت و دولت بود و خطیکه از پاشنه بالا
رود و با انگشت ابهام منتهی گردد علامت دولت و نعمت بود و اگر خط سه شاخ
در بطن انگشت وسطی باشد علامت عیش و عشرت باشد و اگر در بطن انگشت سبابه
بود علامت فسق و فجور بر زنان باشد و اگر در بطن خنصر بود علامت زهد یا

و عرفان باشد یک چکر در انگشتان دست علامت دولت و مال بود و دو
چکر علامت علم و هنر باشد و سه چکر علامت دولت و سعادت بود و چهار
چکر علامت فلاکت و نکبت بود و پنج چکر علامت هنر و عیش و فلاح بود
و شش چکر علامت شهوت و لذت و عیش و عشرت باشد و هفت چکر
علامت شجاعت و تهور باشد و هشت چکر علامت خشم و غضب باشد و نه
چکر علامت دولت و سلطنت بود و ده چکر در بطن انگشتان هر دو دست
علامت دولت و فتح الباب باشد یک سنکه در بطن سر انگشتان دست
علامت دولت و راحت بود و سنکه بالفتح خطوط تو بر تو در بطن سر انگشت
شبیه بچکر مائل بدرازی سر انگشت و دو سنکه علامت نکبت و فلاکت باشد
و سه سنکه علامت دریوزه گری و گدائی بود و چهار سنکه علامت علم و هنر باشد
و پنج سنکه علامت نکبت و فلاکت بود و زیاده بر پنج سنکه تا ده سنکه علامت
دولت و سلطنت باشد یک پدم در بطن انگشتان دست تا چهار پدم
علامت دولت و مال بود و پدم بفتح اول و سکون ثانی و میم خطی بود شکل گل
چهار برگی و از چهار پدم تا نه پدم علامت دولت و طالع مندی بود و ده
پدم در انگشتان هر دو دست علامت کمال فقر و دانش و ترک دنیا باشد

کوڑیے در بطن انگشتان دست از یکی تا پنج علامت زهد
و ورع و تقوی و پرهیز باشد و زیاده از پنج تا ده علامت کمال درویشی و
فقر و عرفان بود کوڑی هفتم کاف خطوطی باشند بشکل خرمهره و خطوط بسیار در
کف دست زیاده بر سه خط علامت محنت و رنج و کذب و دروغ گوئی بود و
پوشیده نماند که در دیدن خطوط دست یا در مردان طرف راست اعتبار کنند و در
زنان طرف چپ نوع سوم در بیان قد و قامت باید دانست که [illegible] نود
و دو انگشت علامت کمال عقل و عزت و اعتبار باشد و اما دلالت بر درویشی در
نیز کنند و مقدار هشتاد انگشت علامت دزدی و بی اعتباری و فریبندگی و حرص
و طمع و بدفعلی و بدعملی باشد و مقدار نود انگشت در مرتبه ادنی بود و مقدار
صد انگشت در مرتبه اعلی و قد که مقدار نود انگشت باشد دلالت
بر سی ساله عمر کند و از نود انگشت تا یکصد و ده انگشت آنچه بیفزاید بهر انگشتی
پنج ساله عمر بیفزاید مثلاً نود و یک انگشت دلالت بر سی و پنج ساله عمر کند
و نود و دو انگشت بر چهل ساله عمر و علی هذا القیاس تا یکصد و ده انگشت بهر انگشتی
پنج سال بیفزاید چنانچه یکصد و ده انگشت دلالت بر یکصد و سی ساله عمر کند و از یکصد و ده
تا یکصد و بیست انگشت آنچه بیفزاید بهر انگشتی هفت ساله عمر بر یکصد و سی سال عمر بیفزاید

کوڑی

ف

نوع سوم

در بیان قد و قامت

چنانچه قد یکصد و یازده انگشت دلالت بر یکصد و سی و هفت ساله عمر و قد یکصد و
دوازده انگشت دلالت بر یکصد و چهل و چهار ساله عمر کند علی هذا القیاس
بهر انگشتی هفت ساله عمر بیفزاید چنانکه یکصد و بست انگشت قد دلالت
بر دو صد ساله عمر کند و چون از یکصد و بست انگشت قد بیفزاید عمر جاودانی
یابد و علم ازلی حاصل کند والله اعلم فصل دوم در معرفت قیافه زنان
از پای تا سر بدین تفصیل کف پای نرم و خوش گوشت چنانکه چون پای
بر زمین گذارد تمام کف پای بر زمین رسد و نقش پای درست ظاهر گردد
علامت سعادت و دولت بود و اگر میانه کف پای بزمین نرسد علامت
شقاوت و بیوگی بود و پشت پای خوش گوشت و هموار مثل پشت کشف علامت
سعادت و دولت بود و خشک و دراز و کاواک علامت محنت و فلاکت
بود شکل پدم یعنی گل کول و چکر یعنی دائره تو بر تو در کف پای علامت سعادت و
دولت بود و هر چند شکل پدم و چکر بر کف پای بیشتر باشد سعادت و دولت
زیاده تر و اگر در کف پای شکل چتر یا کجک فیل باشد علامت سلطنت و سعادت
و دولت باشد آن زن البته پادشاه شود یا هر که او را بنکاح درآرد آنکس بدولت و
عظمت رسد و اگر شکل سنکه باشد یعنی دائره مائل بدرازی شبیه بیچک علامت

غصه وری و بدجوئی و بدخلقی بود و اگر در سیاه کف پای خطی بود دراز
چنانکه از پاشنه تا انگشتان پای رسد چنانکه در فصل اول ازین باب گذشت
علامت سعادت و دولت بود و اگر انگشت ابهام پای باریک و سرخ بود
علامت آن بود که آن زن در رضاجوئی و فرمانبرداری و اخلاص بندگی
شوهر بسیار کوشد و فربهی و گندگی ابهام پای علامت آن بود که آن زن
زود بیوه گردد و اگر انگشت سبابه پای درازتر از انگشت ابهام باشد علامت
آن بود که آن زن پرشهوت باشد و مرد بیگانه را بسیار دوست دارد و اگر
از حد زیاده دراز باشد آن زن در وقت دوشیزگی بدکاره بود و اگر انگشت
مذکور خرد باشد علامت بدخوئی و بدخلقی بود و اگر انگشت وسطی پای درازتر
باشد علامت بدفعلی بود و بعض گویند زود بیوه گردد و اگر آن انگشت از پای
راست بزمین برسد آن پیش شوهر بی اعتبار بود و شوهر گفته او را قبول نکند
و اگر همان انگشت از پای چپ بزمین نخورد علامت دولت بود و اگر انگشت
بنصر پای از وسطی درازتر بود آن زن زود بیوه گردد و اگر انگشت مذکور خرد
باشد علامت بدخلقی و بدخوئی بود و اگر همان انگشت بزمین نرسد و معلق ماند
دو شوهر کند و اگر انگشت خنصر پای درازتر بود دلیل بیشرمی و بیحیائی بود و آن

زن

زن شوهر بسیار کند و اگر خرد تو بتو و بر زمین نچسپد نیز علامت بدفعلی بود و البته
شوهر دیگر کند و اگر انگشت مذکور از پای چپ بر زمین نرسد علامت سعادت بود
و هر کس او را دوست دارد و اگر چهار انگشت پای بر زمین نرسد چهار شوهر او بمیرد
و پاشنه پای اگر دراز باشد شوهر او را بسیار دوست دارد اما از شوهر جدائی بسیار
کشد و دیور او را یعنی برادر خرد شوهرش را بیم هلاک باشد و اگر گنده و سطبر باشد
علامت نکبت و فلاکت بود و اگر از طرف راست اندکی فربه و گنده بود علامت
شرم و حیا و عصمت و عفت باشد و پاشنه میانه و نرم و نازک علامت دولت
و سعادت بود شتالنگ گنده و بلند مثل شتالنگ گاومیش علامت قید
و زنجیر و شلاق شوهر باشد ساق پای خوش گوشت و گاودم و صاف و بیموی
علامت سعادت و دولت بود و ساق سطبر و پرموی علامت پرستاری
بود و ساقی که مثل ساق زاغ و اندک موی باشد و مویش مثل موی خر بود شوهرش
همیشه پریشان احوال باشد و اگر در وقت راه رفتن از ساقش و یا از صحره کمر
آواز برآید فرزندش نزاید و شوهرش بمیرد و زنیکه اندام نهانی او پست و بلند باشد
آن زن بدکامه بود و شوهر بسیار کند و اگر مانند پشت کشف باشد یعنی
پشته دارد و خوش گوشت و خوشنما باشد علامت سعادت و دولت بود

و اگر بلند باشد نیز علامت دولت بود و اگر خرد باشد علامت توانگری و
مالداری بود و مع هذا اگر درشت و سخت و پر موی مثل موی فیل باشد آن
زن البته کنیز و پرستار گردد و اگر از جانب راست اندکی بلند باشد علامت
بیدینی بود اما بسیار پسران زاید و اگر دراز و خشک و بی گوشت باشد علامت
شقاوت و ملالت و فلاکت بود و اگر بر پیشانی اندامش موزی باشد او را فرزندان
صاحب دولت بسیار باشند و اگر بجانب راست اندامش یا بر پیشانی آن
خال سرخ باشد علامت دولت و سلطنت بود و اگر داغ سیاه باشد و مع هذا
دراز بود علامت رنج و محنت باشد و سرین پر گوشت و بلند و پهن علامت
سعادت و دولت بود و کمر باریک مثل کمر شیر و یوز علامت سعادت و دولت
بود و شکم فربه و سطبر علامت اندیشه بود و ناف عمیق علامت آنست
که شوهرش بسیار بخواهد و دوست دارد و ناف مدور و خوش گوشت علامت
عیش و عشرت بود و اگر ناف چند چین بیفتد و موی شکم برنگ طلا باشد
علامت سعادت و دولت بود و آن زن البته پادشاه شود و اگر از سر
ناف تا زیر خطی باشد از موهای نرم و باریک علامت دولت و سعادت
بود و اگر ناف جانب راست اندکی بلند بود علامت سعادت و دولت بود

سینه
شکم
ناف

واگر بر نافش خال زرد مثل زعفران باشد علامت دولت بود و پسران آید
و ناف کم گوشت بیرون برآمده علامت نکبت و فلاکت بود و شکم خوش گوشت
خوش اندام ماهی پشت علامت سعادت و دولت بود و شکم که باشد پشت غوک
یعنی پهن و پرگوشت باشد علامت پسر زائیدن صاحب دولتی باشد اگر
بر شکم رگهای نیلگون نمودار باشد خواه زن باشد خواه مرد علامت سلطنت
دولت بود و اگر رگهای سرخ بود علامت بدفعلی و قحبگی باشد و اگر مرد باشد علامت
فسق و فجور و زنا بود و اگر بر شکم لهسن یعنی لکه سیاه باشد علامت فقر و دریوزه
و سرگردانی بود خواه زن باشد خواه مرد و اگر بر سینه رگهای سرخ باشد علامت
علم و دانش و دولت و مال بود و شوهرش بسیار دوست دارد و سینه بلند و تنگ
علامت رنج و محنت بود و پشت بلند علامت پرستاری بود و پشتی که مثل پشت
کلنگ باشد یعنی اندکی پشته دار علامت قوادگی و دلالگی باشد و پشتیکه مثل
پشت آهو باشد علامت سعادت و دولت بود و موی بر پشت علامت نکبت
و فلاکت بود و بهم بر پشت علامت رنج و محنت بود و شوهران بسیار را هلاک سازد
و لهسن بر پشت یعنی داغ سیاه علامت دولت و سعادت بود و اگر پشت
رگها نمودار باشد علامت درازی عمر بود و پشت دراز [illegible] علامت

شکم

سینه

پشت

موی پشت

لهسن پشت

پستان

رنج و محنت و فلاکت بود پستان گرد خوش قبه و خوش گوشت و سخت جهیا
که در گهابران نمودار باشد علامت سعادت و دولت بود و شوهرش
بسیار دوست دارد و پستان دراز پر گوشت علامت فرزندان و اولاد بسیار
بود و پستان بسیار دراز کم گوشت علامت رنج و محنت و فلاکت بود و خرد
و کم گوشت بمعز مثل خریطه خالی نیز علامت نکبت و فلاکت باشد و پستان
بلند بی اندام درشت ترکیده جلد علامت کنیزی و پرستاری بود و درشت
جلد سرخ رنگ علامت بی فرزندی باشد و اگر زیر پستان خال سرخ یا سیاه
سرخ واقع شود آن زن اول پسر زاید خصوصا که خال با سر جانب چپ
باشد و اگر آن خال بر پهلو یا بر گلو یا بر گوش یا بر دست جانب راست باشد
نیز علامت همین حکم دارد و اکثر پسر زاید و اگر یک پستان سخت باشد و
دیگر نرم یا یکی کلان و دیگر خرد علامت رنج و محنت و غم و اندیشه بود

کف دست

کف دست خوش اسلوب و خوش گوشت و خوش اندام و نرم و نازک
و کف دست سرخ مثل گل علامت سعادت و دولت بود و خشک و کم گوشت
و کاواک و سیاه بعکس آن باشد ناخن شیشه دارد و همواره مثل پشت کشف باریک

ناخن

و سرخ رنگ و براق مثل برگ گل علامت سعادت و دولت بود و ناخن سطبر

دو و نشسته

وفرو نشسته و بیجلا نا همواره ترکیده و زرد یا سیاه رنگ همه برعکس آن باشد
و اگر در کف دست نشان پدم یعنی گل کنول و چتر و برق و ماهی و مالا یعنی تسبیح و
کوڑی یعنی خر مهره باشد علامت سعادت و دولت بود و آن زن البته بادشاه
شود یا شوهرش بدولت عظیم برسد و باقی خطوط دست زن مثل خطوط دست مرد
میباشد مگر در مردان دست راست معتبر است و در زنان دست چپ
گردن — چنانکه در نوع دوم از شعبهٔ اول گذشت **گردن و گلو** که مثل گردن و
گلوی آهو باشد علامت سعادت و دولت بود و گردن کوتاه و باریک
یا بسیار سطبر و فربه علامت رنج و محنت و فلاکت بود و گلوی و حلقوم دراز
زنخدان — و سطبر و بد اندام علامت محنت و فلاکت بود **زنخدان** میانه خوش گوشت
و مدور علامت سعادت و دولت بود خصوصا که چاه داشته باشد و زنخدان
دراز و کم گوشت علامت نکبت و فلاکت بود و اگر مع هذا بر زنخدان موی
غبغب — باشد بدتر بود و بیوه گردد و **غبغب** خوش گوشت که یک چین داشته باشد
لب — علامت سعادت و دولت بود **لبهای** سرخ و باریک بحد اعتدال
علامت سعادت بود و لبهای سیاه و دراز علامت فلاکت و بیوگی
بود و اگر مع هذا بر پشت لب موی باشد مثل بروت مردان بدتر بود

و آن زن تمام عمر در بیوگی و نکبت و فلاکت بگذراند دهان تنگ مثل غنچه گل یا دهان سپید علامت سعادت و دولت بود و دهان فراخ و دراز چنانچه در وقت خنده همه دندانهای کرسی نماید علامت رنج و محنت و فلاکت بود دندانهای خرد و براق و آبدار مثل دانه انار علامت سعادت و دولت بود و دندانهای بس دراز و بلند و بیجا علامت نکبت و فلاکت بود و دندانهای ناهموار و پست و بلند علامت آنست که فرزندانش نزیند و لبیر زند لثه سیاه یعنی سیاهی گوشت بیخ دندان علامت نکبت و فلاکت بود و بعضی بعکس گفته اند زبان سرخ و باریک علامت سعادت و دولت بود و زبان سطبر و سفید و درشت علامت نکبت و فلاکت و بیوگی بود و آن زن همیشه بیوه باشد و اولادش نزید و زبان سیاه علامت جنگ و بدخلقی و بدخوئی و بدپیشی زنان بود یعنی بر کرا بد گوید و بر سخن بد که از زبان برآرد اثر آن زود ظاهر شود کام سرخ سیاه گوشت علامت سعادت و دولت بود و کام سفید علامت کنیزی و پرستاری بود و کام زرد علامت فسق و فجور و دروغگوئی باشد و کام سیاه علامت نکبت و فلاکت و بدخلقی بود و کام فربه و پرگوشت علامت بی دولتی باشد یعنی سیانه

و جوهر

و خوش اندام مثل منقار طوطک غنچهٔ گل حنا و غیر آن علامت سعادت و دولت
بود و بینی خرد و فربه و از پیش فرو افتاده علامت کنیزکی و پرستاری بود و
بینی مثل بینی گربه علامت فسق و فجور و بدکاری بود و اگر سر بینی بسیار دراز
و نوکدار باشد علامت خشم و غضب و بدخلقی بود و اگر در رخسار بوقت سخن گفتن
یا خندیدن مغاک افتد مادر و پدر آن زن بمیرند و بعضی گویند آن زن شوهر
خود را خوش نخندد و دیگری را بخواهد و خودکام باشد چشمهای دراز و بغایت
سیاه و سپیدی چشم نهایت سفید و رگها در وی باریک سرخ و سفیدی چشم منتشر
و پراکنده و آبدار و پر شرم علامت سعادت و دولت بود و چشمهای سرخ علامت
رنج و محنت بود و چشمهای ازرق علامت بدکاری و بدبخلی و شرارت و بدذاتی
باشد و چشمهای مائل بزردی علامت عقل و شعور بود اما زود بیوه گردد ابروی
دراز کشیده و خمیده و خوش موی و دنباله دار علامت سعادت و دولت باشد و
ابروی کوتاه و کجروی و کم موی علامت رنج و محنت و فلاکت و بیوگی بود و
ابروی پیوسته که میان هر دو ابرو موی بسیار باشد علامت بدکاری و بخلی و بیوگی بود
گوش پهن و کلان مثل غله فشان علامت نکبت و فلاکت و بیوگی بود و سوی برگ کیا
گوش علامت نکبت و فلاکت باشد پیشانی که بمقدار سه انگشت یا چهار انگشت پهنا بود

بینی
چشم
ابرو
گوش
پیشانی

و دراز و بلند و هموار از موی صاف و پاک بود علامت سعادت و دولت بود و خال
در پیشانی علامت آنست که آن زن پنج پسر زاید همه دولتمند باشند و اگر وقت خندیدن در
پیشانی چین بیفتد علامت دولت بود و اگر در پیشانی خطی شکست ظاهر شود
علامت آنست که آن زن بر هزار زنان خداوندی و صاحبی و حکم رانی کند
و پیشانی تنگ و پر موی علامت نکبت و فلاکت باشد موهای سر دراز و سیاه
و براق علامت سعادت و دولت بود و موهای سطبر و درشت علامت بیوگی
باشد و موی انبوه در سر و سیگون مائل بزردی که پراکنده و پریشان باشد و بر دوش
و بر سینه افتد و بر فرق سر نیز پریشان و ایستاده ماند علامت نکبت و فلاکت و
بدگوئی و بدخلقی بود موی در پیش سر علامت بیوگی و بدکاری و بدفعلی بود
و موی بر گردن علامت فلاکت و نکبت باشد و زنی که بر چهره آنش علامت
شجاعت و مردانگی ظاهر باشد و بر بدنش موهای بسیار باشد علامت کنیزکی و پرستاری
بود موهای بسیار و درشت بر بدن مثل موی فیل و گاو علامت نکبت و کنیزکی
و پرستاری بود و اگر در عضوی بعضی جا باشد و خم و پیچ خورده باشد علامت بیوگی
باشد چنانچه زیاده از شش ماه شوهرش نزید و در مسامی یکموی علامت نکبت
و دو موی بعکس آن باشد اگر در عرق بدن زنی بوی خون یا بوی تلخ مثل بوی درخت نیست

دکل

و گل لادمی یا زرد یا کبود آید این همه علامت نکبت و فلاکت باشد و اگر بوی بد آید
و شاش گاو و بوی شغل کشک و ترنج و حیض زنان و ماهی آید و ریحه مشک گنده
باشد و داغ آنرا تحمل نتواند کرد این همه علامت نکبت و فلاکت و بی‌نوایی بود
و اگر بوی ملک یعنی لالا آید او را از رنج بهم رسد و اگر بوی گل حنا باشد یا مشک
علامت سعادت و دولت بود و اگر از دهانش روایح خوش و پسندیده آید نیز علامت
سعادت است و اگر روایح متعفن و گنده آید علامت نکبت و فلاکت باشد و کم عمر
شوهر باشد و زنکه بسیار دراز بالا یا کوتاه یا بسیار خشک لاغر یا بسیار فربه
باشد علامت بد بود و زنکه بسیار خوار و بسیار خواب یا پرگو و یا بسیار خاموش
باشد و یا بی سببی حیران و فکر زده باشد و همیشه مغموم باشد و هیچ بسیار خنده
یا گریه و یا بسیار چشم گیر و علامت نکبت و فلاکت باشد و زنکه در راه رفتن
بسیار بجنبد و خم و چم بسیار داشته باشد و چشمهای شوخ و شنک داشته باشد
و دیده را در کاسه چشم بسیار بگرداند و پشت چشم نازک کند علامت بدکاری
و عیاری بود و بهر تقدیر حسن خلقت و صورت و تناسب اعضا و حسن سیرت
و مکارم اخلاق علامت سعادت و دولت بود و
بالعکس آن عکس آن باشد و الله اعلم

بوی دهن

بسیار خوار
بسیار خواب
پرگو بسیار
خاموش

الخاتمة

تصحیح طبع و فوائد جناب فائدت مآب ماهر علم و فن قطف ثمرات سخن مقبول بارگاه لایزالی

مولوی محمد هادی علی مدظله العالی

حمد خدائی که خلق آدم بصورت خویش فرموده و علامات خیر و سعادت در جسم انسان مخفی و مستور داشته
رنگ هستی بر رخسار ممکنات بست و از خامهٔ اختراعش نقوش گوناگون بر کرسی ایجاد نشست و درود
سرور جوهر زدو لمعانش ماه لعمرک متناسب الاعضا که ملک ملاحت زیر نگین آورده و در مصر جمال یوسفی کرده
بزم امکان از جمال جهان آرایش بوستان گشت و کشت ارامید زیر توحسن سیرتش تازه بستان صلی الله علیه و آله وسلم علیه الصلوة
والسلام علی آله و اصحابه الکرام بعد ازین مخفی نماند که این صحیفهٔ معرفت نشان علامات سعادت و شقاوت
کارنامهٔ زیرکان هوشمندان **رساله قیافه** مردان و زنان که علمی عجیب کاشف
نکات غریب است مکین شهر دلان مصر و تماشای قدرت یزدانی از ایشان میسر باهتمام انسان العین
عین الانسان نخبهٔ دولت صاحب حرمین شریفین مولوی **محمد حسین** مقام سرور شهر کانپور محله
متصل چوک مکان سیاه امیر صفدر یار ترقیم ذیحجه ۱۲۶۶ هجری سید الابرار صلی الله
علیه و آله و سلم و صحبه ذوی المجد والکرم نقش صحت طبع گرفته

در مطبع ... ترقیم ...